



دین در جامعه برزیل

دین در جامعه برزیل

سخنرانان

اسقف دی مسکینوس منصور، شیخ محمد المغربی

شیخ علی ابورایا

پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین الملل





دین در جامعه برزیل

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنرانان: اسقف دی مسکینوس منصور، شیخ محمد المغربي، شیخ علی ابورایا

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ ریال

چاپخانه: پیمان نواندیش

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۰۲۲۱۳ دورنگار ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ricac.ac.ir

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفتگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه فراهم آید.

گزارش پیش‌رو، نتیجه نشستی است با عنوان: «دین در جامعه برزیل» با سخنرانی اسقف دی مسکینوس منصور، شیخ محمد المغربی، شیخ علی ابورایا که در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۹ از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل در پژوهشگاه برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، موضوع‌های مطرح شده از سوی سخنرانان، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های مسئولان پژوهشگاه نیست.

مقدمه

آمریکای لاتین به خاطر حضور چین به عنوان شریک اقتصادی برزیل و شیلی و همچنین سایر فعالیت‌های رقبای اقتصادی و فرهنگی، مجدداً مورد توجه آمریکا قرار گرفته است. با توجه به روحیهٔ قالب در آمریکای لاتین که بیشتر عملگرا هستند تا ایدئولوژیک، حضور فرهنگی کشورهای لیبرال مسلک با زمینه‌های مناسب‌تری روبرو هستند. در این فرایند برزیل به لحاظ داشتن رشد اقتصادی مناسب، ثبات سیاسی و نفوذ در سایر کشورهای منطقه، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

میزان ارتباطات فرهنگی و بالطبع، دریافت اطلاعات دقیق و به‌روز از وضعیت فرهنگی و اجتماعی مسلمانان برزیل، به میزان قابل توجهی متأثر از ارتباطات سیاسی است که اخیراً با گسترش آن (پس از ۵۰ سال)، روابط فرهنگی دو ملت، جمهوری اسلامی ایران و برزیل عملی می‌شود.

ترکیب مذهبی جمعیت ۲۰۰ میلیون نفری برزیل متشکل از مسیحی، کاتولیک، پروتستان و اقلیت‌های دینی مثل اسلام و... می‌باشد. مسلمانان برزیل (اعم از شیعه و سنی) در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که تمامی مطبوعات و نشریات توسط آژانس‌ها، به‌صورت خصوصی اداره می‌شود؛ به‌طوری که هرگونه اقدام

و فعالیت فرهنگی، تماماً با تکیه بر منابع انسانی و مالی مسلمانان عملیاتی می‌شود. رکورد قابل ملاحظه مشتریان اینترنت و کاربران شبکه‌های مختلف اجتماعی در این کشور حاکی از تلاش بی‌امان کشورهای غربی و بویژه آمریکا می‌باشد که در نتیجه آن، فعالیت مذهبی، خصوصاً تبلیغات مسلمانان را با چالش‌های جدی روبرو کرده است.

بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی مردم کشور برزیل از لحاظ دینداری و همچنین تبیین تعامل ادیان مختلف با یکدیگر و بالاخره به‌دست دادن آگاهی‌های مرتبط با مسلمانان و بویژه شیعیان کشور برزیل، از اهداف این نشست می‌باشد که با حضور سه تن از علمای مسیحی و مسلمان (اهل سنت و تشیع)، به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- اسقف دی مسکینوس منصور، مسیحی لبنانی الاصل و اسقف کلیسای شهر سائوپائولو برزیل.

۲- شیخ محمد المغربی، روحانی اهل سنت و امام جماعت مسجد مسکیتا برزیل.

۳- شیخ علی ابورایا، روحانی شیعه لبنانی الاصل و امام جماعت مسجد براس «مسجد الرسول (ص)» شهر سائوپائولو برزیل.

گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام

دین در جامعه برزیل

مردم برزیل، در انتخاب دین آزاد هستند و دولت هیچ‌گونه دخالتی در امور دینی مردم ندارد. این مسأله از جهاتی مثبت و از جهاتی منفی است؛ از این جهت خوب است که به انسان‌ها آزادی‌گزینه می‌دهد، اما از این جهت بد است که مفهوم خانواده را تضعیف می‌کند. به همین دلیل است که پدیدهٔ فروپاشی خانواده در اروپا و غرب بسیار شایع است.

دین اغلب ساکنان برزیل، مسیحیت است با مذهب کاتولیک و آنها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه کاتولیک لاتینی که اصطلاحاً غربی نام دارد، یعنی از کلیسای غرب است. گروه دوم، کاتولیک شرقی هستند. تقسیم کاتولیک‌ها به شرقی، غربی، از قرن یازدهم شروع شد. سومین گروه، خانواده انجیلی یا پروتستان هستند. پروتستان‌ها، سنت‌ها و باورهای گذشته را در هم شکستند و با آنها مخالفت کردند. آنان براین باور بودند که انسان از آزادی کامل برخوردار است و می‌تواند به هر چه که اعتقاد دارد، عمل کند. این گروه به سرعت در حال گسترش هستند، به‌خصوص در برزیل، که صدها کلیسا در اختیار دارند.

امروز در برزیل کلیساهای بسیاری ساخته می‌شود که اغلب در حقیقت، مبلغ اعتقادات دوران عهد عتیق هستند و از اسرائیل صحبت می‌کنند؛ اسرائیلی که در حال حاضر رژیم جعلی است و مردم هم فکر می‌کنند، اسرائیلی که در کتاب مقدس از آن نام برده شده، همین اسرائیل اشغالگر است، در حالی که این طور نیست. به اعتقاد ما، اسرائیل عبارت است از ملتی که به خداوند متعال ایمان واقعی دارد. گروهی که اسرائیل فعلی را اسرائیل واقعی قلمداد می‌کنند، در برزیل در حال رشد و گسترش هستند و تقریباً ۳۰ درصد از جمعیت ۲۰۰ میلیونی این کشور را تشکیل می‌دهند.

من در اصل برزیلی نیستم، اصالتاً اهل سوریه هستم و در لبنان تحصیل کرده‌ام. به طور کلی جمعیت زیادی از سوریه و لبنان حدود ۱۵۰ سال پیش به برزیل مهاجرت کردند. هم اکنون ما وظیفه داریم به برادران و خواهران خود خدمات مذهبی ارائه دهیم و از غرق شدن آنها در منجلاب تبلیغات گمراه کننده جلوگیری کنیم. کلیسایی که من به آن تعلق دارم، کلیسای مهاجران است که بیشتر در شرق سن پائولو پراکنده هستند. کلیسای ما کلیسای ارتدکس انطاکیه است و از مسیحیان پروتستان که آنها را همراه می‌دانیم، استقبال می‌کنیم.

کلیسای انطاکیه، منسوب به شهر انطاکیه در سرزمین ترکیه فعلی است و به دست سه نفر از حواریون حضرت عیسی (ع) تأسیس شد.

ملت برزیل دارای طبیعت و سرشتی با گرایش دینی هستند و این سرشت و طبیعت در تمام کردار و نامگذاری‌هایی که دارند منعکس است. برای مثال بسیاری از مکان‌ها و شهرها در برزیل به نام افراد مقدس و روحانیون مسیحی نامگذاری شده است. همین شهری که ما از آن آمده‌ایم، یعنی سن پائولو به

معنای قدیس پائولو است که یکی از افراد مقدس و روحانی قدیم مسیحی بوده و مشابه مفهوم امامزاده در ایران است. این مفاهیم نزد مردم برزیل احترامی برای علما و رجال دین ایجاد کرده است. ملت برزیل همیشه به بزرگان دین، باور داشته‌اند و رجال دینی هم دارای منابع اجتماعی، اقتصادی و مالی خاص خودشان هستند و کلیساهای بسیاری را تأسیس کرده‌اند. علاوه بر کلیساهای و وسایل ارتباطی دیگری هم در برزیل وجود دارد که هر روزه تبلیغ دین را انجام می‌دهند و مهمترین آنها رادیو و تلویزیون است. گروه‌های یهودی از این مسئله سوء استفاده کرده‌اند و با توجه به اینکه یهودی‌ها نمی‌توانند به دین دیگری بگردند، کلیسایی را به نام کلیسای انجیلی یا ابانجلیستی به وجود آورده‌اند که این کلیسا صددرصد مسیحی نیست و صددرصد یهودی هم نیست، فعالیت بسیار گسترده‌ای دارد و توانسته هزاران هزار نفر را به تعلیمات خودش جذب کند. به همین دلیل در افراد باسواد، تحصیلکرده و فرهنگی کنجکاوای زیادی در مورد ادیان به وجود آمده که هر روز به ما مراجعه دارند و می‌پرسند که آیا مرکز شما به عنوان مثال مسجد است یا کلیسا و عقایدتان چیست؟ ملت برزیل اهل بحث و جدل نیست و اکثر مطالبی که به آنها عرضه می‌شود را اگر پسندند در همان مرحله اول به آن ایمان می‌آورند و از آن به جدیت پیروی می‌کنند. یک مورد دیگر که می‌خواهم به آن اشاره کنم، حضور اسلام در برزیل است. وضعیت قدیم و تاریخ آن و وضعیت کنونی آن: ورود اسلام به برزیل به زمانی برمی‌گردد که دولت‌های استعماری از جمله انگلستان برده‌هایی را از آفریقا به اجبار و به رایگان می‌آوردند و در مکان‌های مختلفی در برزیل قرار می‌دادند. آن بردگان، از لحاظ دینی و علمی ملت بافرهنگی بودند و بین این برده‌ها کسانی بودند که نامه‌های مالکانشان را برایشان می‌خواندند و کارهای منشی‌گری آنها را انجام

می‌دادند و حتی مطالبی را در آنها وارد می‌کردند و برایشان تدوین و تنظیم می‌کردند. آنان برای خودشان مراکز اسلامی و مساجدی دایر کرده بودند و در برهه‌ای از تاریخ هم انقلابی انجام دادند که می‌توانیم نام آن را انقلاب اسلامی بگذاریم که به وسیله پرتغالی‌ها به شدت سرکوب شد. حتی مراکز اسلامی و پرستشگاه‌هایی که باقی مانده بود را از بین بردند به طوری که هیچ اثری از آنها وجود نداشته باشد. برای مثال دو شهر بهیئه و رصیفی - اینها اسامی عربی هستند - در منطقه آندرس وجود دارند. در شهر بهیه کلیسایی وجود دارد که هنوز تکه‌ای روی بنای آن وجود دارد که مزین به آیات قرآن کریم است. پرتغالی‌ها به این خیال که این یک قطعه تزئینی است، آن را حفظ کردند و از بین نبردند. هرگونه کتاب و اثری هم از آن زمان از بین برده شده است. اکثریت مسلمانان در برزیل، یعنی حدود ۹۷ درصد از لبنان و سه درصد باقی مانده از سایر کشورهای اسلامی هستند. جمعیت مسلمانان در کل برزیل الان حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود. اولین جمعیت و مجموعه اسلامی برزیل، جمعیت نیکوکاری فلسطین است که حدود سال ۱۹۲۷ میلادی در برزیل تأسیس شد. در سال ۱۹۲۹ هم جمعیت خیریه اسلامی، اولین مسجد و مرکز اسلامی را در برزیل، ایجاد کرد. سنگ بنای اولین مسجد در برزیل در دهه ۱۹۴۰ میلادی گذاشته شد که در دهه ۱۹۵۰ شروع به فعالیت کرد. در حال حاضر حدود ۱۴۰ مرکز اسلامی و مسجد در برزیل وجود دارد. با شروع گسترش جمعیت‌های اسلامی در برزیل، استفاده از وسایل مطبوعاتی و تبلیغاتی هم به اشکال مختلف آن توسط مسلمین آغاز شد. اما در حال حاضر، مسلمانان فقط دو نشریه دارند، که یکی از آنها متعلق به اهل سنت و دیگری هم متعلق به شیعیان است که آن

هم با محافظه‌کاری زیاد فعالیت می‌کنند. امروزه پنج مدرسه برای جمعیت مسلمان برزیل وجود دارد که یکی از آنها در اردوگاه است و یکی در فوزدیکاسو و دیگری سن پائولو و بسیاری از روشنفکران مسلمان به مقامات دولتی هم رسیده‌اند از جمله در مجلس نمایندگان و در مجلس سنای کشور نماینده هستند یا اینکه در بخش‌های پزشکی و بیمارستان‌ها مناصب مدیریتی و ریاستی دارند. به عنوان مثال رئیس یکی از بیمارستان‌های مهم برزیل، الان شخصی لبنانی‌الاصیل است و همین خودش نشانی و گواهی است بر اینکه تفرقه و جدایی بین پیروان ادیان الهی در کشور ما وجود ندارد و با هم مشغول همکاری هستند. نکته پایانی که می‌خواهم عرض کنم، این است که اکثریت مسلمانان در برزیل از اهل تسنن هستند و اقلیتی هم از شیعه وجود دارند و متأسفانه گروهی از تندروها و افراطی‌ها هم در بین مسلمان‌ها وجود دارند که متأسفانه زبان‌هایی را به جامعه مسلمین وارد کرده‌اند و ما در تلاش هستیم که آثار تخریبی آنها را به حداقل برسانیم و راه‌حلی برای این مساله پیدا کنیم.

روح مذهبی حضور بسیار پررنگی در برزیل دارد در حالی که در کشورهای غربی مثل انگلستان یا سایر کشورها چنین چیزی وجود ندارد. مردم برزیل استقبال زیادی از کلیسا می‌کنند و به‌طور مرتب به آنجا می‌روند. در اروپا کلیساها تقریباً اغلب ایام خالی هستند مگر در بعضی از مناسبت‌های بسیار مهم مذهبی. اما در برزیل اغلب اوقات پر از جمعیت هستند، نه فقط یکشنبه‌ها، بلکه در همه روزهای هفته. در غرب هر روز شاهد فروش کلیساها هستیم، به عنوان مثال ما می‌خواستیم ساختمانی را برای افتتاح و تأسیس یک مدرسه بخریم که چند کلیسا را پیشنهاد دادند، در حالی که در برزیل نه تنها چنین پدیده‌ای وجود ندارد بلکه

هر روز و هر هفته کلیساهای جدیدی تأسیس می‌شود. گرایش زیاد و استقبال گرم ملت برزیل از دین و مذهب باعث شده که بعضی‌ها هم به فکر سوءاستفاده مالی و اقتصادی از آن برآیند. مردم حاضر هستند برای ورود به کلیساها و استفاده از برنامه‌های مذهبی حتی مبلغی بپردازند و هزینه مالی بدهند و کسانی که به دنبال سوء استفاده مالی هستند گاهی در لباس عالم دینی و در قالب فعالیت برای تأسیس کلیسا از مردم پول می‌گیرند.

به هر حال دین و موضوع دین در میان ملت برزیل با قوت زیاد حضور کامل دارد. البته این بدان معنا نیست که ملت برزیل صددرصد متدین و عامل به احکام دین است؛ بلکه انحرافات هم در شیوه تبلیغ دین وجود دارد. ملت برزیل تشنه معارف دینی به خصوص معارف اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت علیهم‌السلام و مخصوصاً افکار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه است. دو نکته دیگر را ذکر می‌کنم و صحبت‌م را به پایان می‌برم، دو نکته که واقعاً در زمینه نشر و ترویج عقاید اسلامی می‌تواند مفید و کارآمد باشد. نکته اول اینکه ما به منابع تبلیغی پیشرفته با فناوری بالا، امروزی و مدرن احتیاج داریم برای اینکه بتوانیم اسلام را مخصوصاً اسلامی که حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه تفسیر کردند - اسلام ناب محمدی - نشر و ترویج کنیم. منظور من از منابع تبلیغی فقط ترجمه کتاب نیست، بلکه برنامه‌های تلویزیونی، اینترنتی و سینمایی است که اینها اگر ترجمه و به زبان پرتغالی دوبله شود اثر بسیار خوبی در برزیل می‌تواند داشته باشد و استقبال زیادی از آن خواهد شد. نکته و پیشنهاد دوم من این است که با وجود زمینه و وضعیت مطلوب استقبال از دین، اگر استفاده کامل صورت نگرفته، به ضعف ما، کمبودها و کاستی‌های ما در

زمینهٔ امکانات و روش‌ها برمی‌گردد. اگر اینها اصلاح شود تأثیر بسیار خوبی می‌تواند نه تنها در برزیل، بلکه در کل قاره آمریکا داشته باشد.

پرسش و پاسخ

پرسش: آیا در زمینهٔ گفتگوی دینی در کشور شما هم فعالیت‌هایی شده و آیا

مراکز دولتی و خصوصی در این زمینه کاری انجام داده‌اند؟

پاسخ: مرکز تخصصی برای انجام این کارها وجود ندارد، ولی در

مناسبت‌های مختلف، جلساتی تشکیل می‌شود که پیرامون ادیان مختلف با یکدیگر بحث و تبادل نظر می‌کنند.

پاسخ دوم: گفتگوی منظمی به صورت نمادین وجود ندارد، البته

جمعیت‌هایی هستند که ما در قالب آنها دور هم جمع می‌شویم و دربارهٔ افکار و عقاید یکدیگر با هم صحبت می‌کنیم و با هم آشنایی بیشتری پیدا می‌کنیم.

علمای مذاهب شرقی با ما ارتباطاتی دارند و با هم رفت و آمد داریم؛ علمای شیعه، سنی، کاتولیک، دروزی‌ها، مارونی‌ها، ملکی‌ها و غیره. خلاصه اینکه، تبادل

افکار هست و بیشتر تحت عنوان تقریب مذاهب از آن یاد می‌شود. در جایی از

من سؤال شد که وقتی به اجتماعات سایر ادیان می‌روید، آنها را به مسیحیت

دعوت می‌کنید؟ من پاسخ دادم که خیر، موضوع مشترک ما عشق به خداوند

متعال است و ایمان به او اساس همهٔ ادیان است. گفتگوی ما دربارهٔ حیات و

زندگانی است. ما از اینکه مراکز منسجمی برای تبادل عقاید وجود داشته باشد،

خوشحال می‌شویم ولی برای مثال جلسه‌ای در جایی تشکیل شده بود که

براساس تحقیقات ما، برگزار کنندگانش یهودی بودند و از انجام این کار هدف

خاصی را دنبال می‌کردند. می‌خواستند خودشان را مطرح کنند و تلاش می‌کردند موجودیت خود را از نظر دیگران رسمی جلوه دهند.

پرسش: جایگاه هر یک از اقلیت‌های مذهبی در برزیل چگونه است؟ لطفاً دربارهٔ امکانات و مشکلات آنها کمی توضیح دهید. همچنین می‌خواستم بدانم که آیا در برزیل فرقه‌های بومی ارتدکس وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: کلیسای ارتدکس مثل کلیسای کاتولیک یک سازمان متمرکز نیست که پاپ در رأس آن تصمیم‌گیری بکند. هر محلی، رهبر محلی خودش را دارد و اینها در رأس هرم به صورت جمعی، تصمیم‌گیری می‌کنند. در عصر پنجم زمانی که امپراتوری بیزانس این سازمان را به پنج بخش تصمیم‌گیری تقسیم کرد، این پنج مرکز کلیسای ارتدکس شدند که اسامی آنها را فکر کنم شنیده‌اید؛ اسکندریه، انطاکیه، اورشلیم و روم که در غرب بود، سپس روم، پایتخت امپراتوری در غرب شد، بعد هم استانبول دومین مرکز مهم و پایتخت امپراتوری در شرق شد، کلیسای ما وابسته به انطاکیه است که در شمال سوریه وجود داشته و الان در قلمرو ترکیه قرار دارد. بنابراین کلیسای ما چون اغلب از منطقهٔ سوریه و لبنان هستند، بر امور اکثریت پیروان این کلیسا در کشورمان و همین‌طور بر تمام پیروان کلیسا در کشورهای عرب زبان، از جمله عراق، اردن، سوریه و لبنان اشراف دارد. در قرن یازدهم نوعی جدایی و تجزیه سیاسی بین این پنج مرکز روی داد که باعث شد مرکزیت غربی در بخش روم در یک طرف باشد و چهار مرکز دیگر در بخش شرقی در یک طرف دیگر. به تدریج مراکز کلیسایی یعنی مرکزیت و مدیریت کلیسایی در کشورهای جدید هم به صورت مجزا به وجود آمد، مثلاً کشورهایی مانند بلغارستان، یوگسلاوی و رومانی‌ها خودشان هر کدام

مرکزیت مجزایی پیدا کردند. ولی در بین همه اینها مرکزیت انطاکیه که من متعلق به آن هستم، بزرگ‌ترین گروه و مرکزیت و کلیسا محسوب می‌شود و تقریباً همه فرق حتی مسیحی کشورهای عرب زبان را تحت پوشش قرار می‌دهیم. همه با هم در ارتباط هستیم، حتی با مراکز دیگر که در سایر کشورها وجود دارند و مدیریتشان با مدیریت و شاخه ما فرق می‌کند ارتباط برادرانه داریم، چون اصل مشترک بین ما ایمان به خدا است. بنابراین از ابتدا در برزیل مرکزی وجود نداشت، اما اولین موج مهاجرین که به برزیل آمدند جمعیت‌های محلی را شکل دادند و برای خودشان تشکیلاتی داشتند. اینها دست به کار ساختن مراکزی شدند که الان هم وجود دارند و بسیاری از اینها مربوط به همان مهاجرین اولیه هستند.

اگر منظورتان درباره امکانات و مشکلات فعالیت ما به عنوان یک اقلیت دینی در کشور برزیل است، نه ابدأ مشکلی نداریم؛ یعنی حکومت با ما رفتار معمولی دارد و آزادی کامل در انجام فعالیت‌های مذهبی داریم. اگر منظور شما امکانات مادی است، باید بگویم که ما هیچ وابستگی به منابع مالی دولتی نداریم و منابع ما صرفاً از طرف مردم تأمین می‌شود و به آنها وابسته هستیم.

پرسش: به نظر می‌رسد چون اکثریت جامعه برزیل، پیرو مسیحیت هستند،

مشکلات عمومی کمتری داشته باشند. وضعیت مسلمانان چگونه است؟

پاسخ: از آنجایی که تبلیغات دینی به وسیله جمعیت‌ها اداره می‌شود و این

جمعیت‌ها از سوی افراد غیرروحانی مدیریت می‌شوند، ممکن است مشکلاتی به

وجود بیاید. مشکل دیگر این است که میان جمعیت‌های اسلامی تنوع بسیاری

وجود دارد و به همین دلیل به صورت یکپارچه در نمی‌آیند. یکی دیگر از

مشکلات ما، وابستگی بعضی از این جمعیت‌ها و گروه‌های اسلامی به گروه‌هایی در خارج از برزیل است و متأسفانه برخی از اینها دارای گرایش‌های افراطی هستند. مشکل دیگر این است که بخش اعظم وقت علمای دین به حل اختلافات داخل بین این گروه‌ها اختصاص دارد و فرصت کمتری برای تبلیغات در جامعه دارند. البته خوشبختانه میان شیعیان این مشکلات وجود ندارد و آنان همیشه گروه‌های مختلف را به وحدت دعوت می‌کنند. در ضمن در برزیل، ما ابزار و وسایل کافی مانند برنامه‌های تلویزیونی، کتاب، روزنامه و امثال اینها را برای تبلیغ دین میان نسل جوان در اختیار نداریم.

برای مثال دانشجویی از ما ۱۰ عنوان کتاب می‌خواهد ولی ما فقط کتاب‌هایی در سطح معلومات ابتدایی و اصول اولیه اسلامی در اختیار داریم و اینها عطش دانستن در این دانشجو را سیراب نمی‌کنند.

پرسش: سؤالی که دارم دو نکته اساسی است: یکی اینکه به روند رو به گسترش دین اشاره کردید، این روند در جامعه دانشگاهی چقدر است یعنی در جامعه روشن‌فکر آیا حرکت رو به دین دیده می‌شود یا این مساله فقط در بین عامه مردم مشاهده می‌شود؟ سؤال دوم اینکه، می‌خواستم ببینم هر سال چه میزان از مسلمانان برزیل در فریضه حج شرکت می‌کنند؟

پاسخ: در مورد سؤال اول؛ اجازه بدهید که آن را محول کنم به برادر مسلمان دیگرمان، هر چه ایشان بگویند جواب من هم هست. اما در مورد سؤال دوم شما که بسیار مهم، اساسی و محوری است باید بگویم که متأسفانه تعداد حجاج برزیلی بسیار کم است، در حدود ۳۰۰ نفر یا اینکه در نهایت از ۴۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند و علت آن هم کمبود مبلغ مذهبی در برزیل است. ما ۱۴۰ مرکز اسلامی

دین در جامعه برزیل ۱۹

در برزیل داریم، اعم از شیعه و سنی، این آماری که می‌گوییم، شیعیان را هم دربرمی‌گیرد. این ۱۴۰ مرکز فقط ۴۰ مبلغ در اختیار دارند و همین نکته باعث می‌شود که به اندازه کافی نتوانیم مسلمانان را جذب و مدیریت کنیم. البته به تازگی، با فعالیت‌هایی که انجام شده، اوضاع رو به بهبود است. البته بخشی هم به کمبود منابع مالی مربوط می‌شود.

پاسخ دوم: بله در بین دانشگاهی‌ها و روشنفکرها هم گرایش خوبی نسبت به اسلام وجود دارد. در مرکزی که من هستم، حداقل ماهی یکی بار یا دو ماه یک بار گروه‌هایی از دانشگاه‌ها می‌آیند و به مرکز یا مسجد ما سر می‌زنند، بازدید می‌کنند و با ما ارتباط دارند. در مرکز استاد مغربی این بازدیدها بیشتر است به طوری که هر روز بازدیدهایی انجام می‌شود. مجله‌ای هم داریم که به زبان پرتغالی منتشر می‌شود و بیشترین شمارگان آن بین دانشگاه‌ها توزیع می‌شود. همین طور جلسات منظمی برای معرفی اسلام داریم و دروس و جلسات اسلام‌شناسی که اغلب شرکت کنندگان در اینها از قشر دانشگاهی و روشنفکر هستند.

پرسش: آقای مغربی فرمودند که نشریه‌ای برای اهل سنت چاپ می‌شود که رویکرد محافظه‌کارانه دارد و باعث خجالت است. می‌خواستم بدانم این محافظه‌کاری از جانب دولت است یا خودشان؟

پاسخ: مشکل و محدودیت از طرف خودمان است، چون فعالانه حرکت نمی‌کنیم و سراغ مراکز هدف که نشریه باید توزیع شود، نمی‌رویم؛ مثلاً مراکز دانشگاهی، ولی به لحاظ اعلام عقایدمان مشکل و محدودیتی نداریم.

پرسش: آیا فرقه‌های دیگر اسلامی هم در برزیل فعالیت می‌کنند و گستردگی‌شان به چه صورت است؟

پاسخ: تبلیغات اسلامی را بیشتر مبلغین، جمعیت‌ها و گروه‌هایی که در اصل لبنانی و سوریه‌ای هستند انجام می‌دهند. گروه قابل ذکر دیگری وجود ندارد به جز یک گروه به نام احمدیه که در آمریکای شمالی و جنوبی فعال هستند، ولی به صورت بسیار محدودی فعالیت دارند. طی همین چند سال اخیر وهابی‌های عربستان سعودی هم فعالیتشان را در برزیل شروع کرده‌اند، به طوری که برای آموزش اصول مذهب وهابیت و تربیت مبلغ تعدادی را جذب کرده‌اند. وهابی‌ها برای تبلیغ فرقه خود مراکزی هم تأسیس کرده‌اند.

پرسش: لطفاً دربارهٔ تصوف و فعالیت‌های صوفی‌گری هم توضیح دهید.

پاسخ: من به شخصه فعالیت خاصی از سوی اهل تصوف مشاهده نکرده‌ام. اغلب از من راجع به تصوف و عقایدشان می‌پرسند و می‌خواهند به آنها کتاب و منبع معرفی کنم، تا شناخت بیشتری پیدا کنند. خودم هم کنجکاوم که علت این اشتیاق از کجا سرچشمه می‌گیرد. در سن پائولو مرکزی هست که بسیار جذاب و تمیز است، در ضمن علاقه و عشق آنها به رئیس پیرشان واقعاً ستودنی است.

پرسش: مبارزان انقلابی آمریکای لاتین که شهرت جهانی دارند، کم و بیش در ایران هم شناخته شده هستند. می‌خواهم بدانم که انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های حضرت امام (ره) چقدر در برزیل شناخته شده است؟

پاسخ: اطلاعات مردم آمریکای لاتین در حد همان برنامه‌های تلویزیونی و تبلیغات و وسایل ارتباط جمعی است، ولی برخی از آنها به دلیل ارتباط خوبی که با عرب‌ها و مسلمانان دارند، اطلاعات بیشتری دریافت می‌کنند. اما به هر

حال ملت برزیل دربارهٔ ایران و انقلاب اسلامی اطلاعات ناچیزی دارند. البته به تازگی روابط سیاسی بین دو کشور گسترش یافته و در پی دیدارهای رؤسای جمهوری ایران و برزیل، مردم دو ملت نیز بیشتر با فرهنگ و فضای عمومی یکدیگر آشنا شده‌اند. برای مثال من فکر می‌کردم که زنان محجبه در ایران فقط در چادر پیچیده شده‌اند و هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی ندارند، اما بعد از سفر به ایران خلاف این موضوع به من ثابت شد و دیدم که زنان ایرانی بسیار فعال هستند و در عرصه‌های مختلف توانایی‌های بسیاری دارند. امیدوارم کتاب‌های بیشتری از کشور شما به زبان پرتغالی ترجمه شود و در دسترس مردم برزیل قرار بگیرد.

زمانی که دکتر احمدی نژاد تصمیم گرفتند به برزیل سفر کنند، صهیونیست‌ها تلاش بسیاری برای جلوگیری از این سفر کردند و تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دادند. اگر ارتباطات بین دو کشور بیشتر شود، علاقه و محبت مردم و تصورشان از یکدیگر مثبت‌تر می‌شود.